

انتقام تروپرست‌های اقتصادی از مردم / مراکز امنیتی و قضایی ورود کنند

دلار 5 هزار تومان شد! جمله چند کلمه‌ای و کوتاهی که تاثیر تلخ و باورنکردنی روی ثروت مردم دارد و هیچ مرجعی به‌عنوان عامل و سبب ساز یا... پیدا نمی‌کند!



دلار 5 هزار تومان شد! جمله چند کلمه‌ای و کوتاهی که تاثیر تلخ و باورنکردنی روی ثروت مردم دارد و هیچ مرجعی به‌عنوان عامل و سبب ساز یا... پیدا نمی‌کند!

از شروع به کار دولت روحانی در مرداد 92 تا کنون 4 سال و 6 ماه می‌گذرد و تقریباً روزی نبوده که در این دو دولت (یازدهم و دوازدهم) حمله و هجمه‌های به دولت قبل نشده باشد و همه خوبی‌ها و بدی‌های آن دولت یکجا و یک پیمانانه در سبب پلیدی‌ها و ناکارآمدی‌ها و قرار نگرفته باشد. اما در بین همه این هجوم‌ها، حمله به‌عنوان بی‌برنامه، بریده از نخبان و طبقه ایت، ویرانگر اقتصاد و عناوینی مشابه بیش از بقیه به چشم می‌خورد!

در مقابل هرچه نیکویی و خوش‌سیرتی و خوش‌سیرتی است، خدا یکجا به دولت اعتدال داده و همه خصال پسندیده را یکجا به آنها ارزانی داشته! از خلق خوش و مردمداری تا سواد و تخصص و تجربه و پیوند با فرزندان! حالا حدود 5 سال بعد از آن همه لاف‌گزار، یک اتفاق غیر قابل انکار افتاده و آن اینکه دلار 5 هزار تومان را هم رد کرده است! به همین راحتی!

رئیس‌جمهور البته همچنان و بی‌توجه به آثار مخرب این ماجرا، بر درستی رویه اقتصادی دولت تاکید دارد! اما کارشناسان معتقدند اساساً دولت رویه خاصی ندارد که بر سر درستی یا نادرستی آن بحث کنیم!

دولت کماکان معتقد است تورم حدود 8 درصد است اما از سوی دیگر دلار حدود 40 درصد گران شده است! اینکه خرید از کوچه نزدیک منزل رئیس‌جمهور نصیب همه بشود یا نشود حرف دیگری است و تورم آن یک مغازه خیالی را نباید ملاک و معیار قرار داد، بلکه به گفته رئیس‌جمهور محترم، ملاک تورم جیب مردم است و گزارش این جیب تورمی حداقل 40 درصدی را حکایت می‌کند اما دولت همچنان ترجیح می‌دهد بدیهیات را انکار کند.

اینکه دولت بازار را به حال خودش رها کرده جای کمترین تردید ندارد. حتی همین وضع هم برای دولتی‌ها غیرقابل تحمل است و با اینکه هیچ نظارتی بر هیچ قیمتی ندارند، باز هم از عالم و آدم شاکی هستند! عباس آخوندی وزیر و اشرافی راه و مسکن که در طول دوره زمامداری‌اش به جز بد و بیراه گفتن به مسکن مهر، حتی یک واحد از مسکن اجتماعی معهود را هم نساخته، از وجود ابزارهای نظارتی و «داغ و درفش» گلیایه کرده و آنها را مانع شکل‌گیری اقتصاد آزاد دانسته است!

می‌بینید که وزرای فرهیخته دولت اعتدال به شدت غمگینند که چرا برخی مراکز در جمهوری اسلامی هستند که حتی به اسم هم که شده مانع آزادی قیمت‌ها هستند!

در چنین شرایطی و در هنگامه بلاکشی مردم، چنین حرف‌هایی نمک به زخم عمیق ناشی از تسلط بی‌بهره‌ها، هنران مدعی و تکنوکرات‌ها بی‌اخلاق است که همه چیز را برای خود می‌خواهند، حتی به قیمت نابودی اقتصاد ملی!

موج اخیر گرانی ارز را بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند، از حدود یک سال قبل هشدارهایی مبنی بر شکل‌گیری یک رژیم جدید در مناسبات ارزی بخصوص بین ایران و منطقه خلیج فارس به گوش می‌رسید، هشدارهایی که همگی از در راه بودن یک طوفان خبر می‌داد و بسیاری از رسانه‌ها بدون کمترین پرده‌پوشی از آن سخن گفتند. این موج حتی به زنجیره‌های و آنها هم رسید و آنها هم نتوانستند پیش‌بینی کارشناسان را نادیده بگیرند.

در مقابل، مسئولان دولتی مدعی بودند در اثر برجام، همه چیز بر وفق مراد است و همه دلارهای ناشی از فروش نفت به کشور باز می‌گردد! این ادعا بارها و بارها از زبان مسئولان کوچک و بزرگ دولتی بیان و تکرار شد و هرچه نخبان منتقدان به این دروغ بزرگ اعتراض کردند، نه تنها به جایی نرسید که برعکس به مخالفت با برجام مقدس متهم شدند!

اما زمان زیادی لازم نبود که این دروغ هم اثبات شود، البته با هزینه‌های گزاف از جیب ملت! اوایل محکم گفته می‌شد پول نفت تمام و کمال برمی‌گردد! کم‌کم با آشکار شدن نخستین علائم بحران، مجبور شدند اندکی عقب بنشینند، هرچند افرادی مثل عراقچی کماکان متبخرانه این ادعا را در چشم دوربین تلوویزیون تکرار می‌کنند!

زنگنه می‌گوید ما هیچ حساب بلوکه شده‌ای در خارج نداریم و پول نفت آزادانه به آن حساب‌ها می‌رود، فقط نمی‌توانیم آن را به راحتی به ایران منتقل کنیم! این مهم‌ترین دستاورد برجام است!

دولتمردان در اقدامی عجیب اعلام کرده‌اند که بخشی از پول نفت را که هنوز به کشور باز نمی‌گردد و در اصل در کشورهای مقصد بلوکه شده، در ایران به‌عنوان ریال چاپ کرده و روانه بازار می‌کنند! این اقدام را یک بار دیگر بخوانید تا بفهمید چرا امروز بازار تا این حد آشفته است!

این سقف دانش و کمال مدعیانی است که به همه از بالا نگاه می‌کنند و دچار بیماری خودبزرگی و بینی هستند! جماعت متخصص به این سؤال پاسخ نمی‌دهند که اگر می‌توان پولی را که در یک کشور دیگر بلوکه شده، در ایران به ریال تبدیل و به بازار روانه کرد، چه نیازی به زحمت استخراج و فروش نفت است؟! چرا ارزش نفت یک چاه را به ریال تبدیل نمی‌کنید و پولش را وارد چرخه نمی‌کنید؟! می‌بینید که نظریات مشعشع جماعت تکنوکرات کار دست جامعه داده و مصیبت ناشی از حضور این جماعت تمامی ندارد.

اما این همه ماجرا نیست. ما در یک نبرد مهم و تمام نشدنی با دشمن هستیم و اکنون در جنگ ارزی، آنها از مردمی انتقام می‌گیرند که پای آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند و 22 بهمن را آفریدند. اگر این یک نبرد تمام عیار است – که با هزار شاهد و دلیل هست - حتما همه مختصات نبرد را باید در آن دنبال کرد و از مهم‌ترین آنها وجود و نقش شبکه نفوذ در قامت تروریست اقتصادی است. اینکه شبکه‌ای رخنه کرده در شریان‌های کلیدی و اصلی و مهم کشور بتواند در یک پروسه مرموز و حساب شده، ارزش پول ملی را تا 40 درصد کاهش دهد چیز کمی نیست و نباید به سادگی از کنار آن گذشت. اما متأسفانه معمولاً این بخش ماجرا مغفول مانده و کسی توجه چندانی به عوامل عمده آشفته‌گی بازار ارز نمی‌کند.

تروریست‌های اقتصادی که در این ماجرا نقش دارند چه کسانی هستند و اتاق فرمان آنها کجاست که ناگهان و بدون رخداد هیچ تغییری در میزان عرضه یا مصرف ارز، می‌توانند این‌گونه بازار را به هم بریزند؟! کدام بخش امنیتی فعالیت شبکه در هم تنیده ارزی کشور را رصد می‌کند و نتیجه این رصد چیست؟ هرچند دلالتان کف خیابان هم می‌توانند در این سوداگری بیمار نقش داشته باشند، اما مراد این نوشته، بازی با چند دست‌فروش خیابان فردوسی نیست. آنها را هم باید به جای خود دنبال کرد و این سؤال مهم را از مسئولان در باره‌شان پرسید که در کدام مملکت در ممالک پیشرفته، چنین سوداگری بیماری در مقابل بانک مرکزی وجود دارد و چرا باید بازار سیاه ارزی (متکی بر در پشتی بانک مرکزی) وجود داشته باشد؟! اما موضوع فراتر از این حرف‌هاست و جمشید بسم‌الله؛ها در این دریای مواج آشفته‌گی، پر کاهی بیش نیستند.

باید به این نکته مهم توجه کرد که اصلی‌ترین (و حتی یگانه) دارنده ارز در کشور فقط و فقط دولت است. این دولت است که پول ناشی از فروش نفت، پتروشیمی، گاز، میعانات نفتی و... را دریافت می‌کند و بقیه صادرات کشور در برابر آنچه از سوی دولت صادر می‌شود نزدیک به هیچ است. در چنین شرایطی که دارنده اصلی ارز دولت است، دو نکته مهم رخ می‌نماید، نخست آنکه ذینفع مستقیم و کوتاه‌مدت گرانی ارز دولت است و نکته دوم نقش مهم و غیر قابل انکار دولت در تنظیم بازار ارز است.

اکنون نباید از دستگاه‌های امنیتی و نظارتی و نیز دستگاه قضایی برخورد قاطع و جدی با جریان تروریست اقتصادی را مطالبه کرد؟! نباید انتظار داشت جلوی نابودی ثروت مردم و حراج اعتبار ایران را بگیرند؟! دستگاه قضایی یک دزد را محاکمه و حتی اعدام می‌کند چون بخشی از ثروت یک نفر را به یغما برده است، آیا جماعتی که ثروت یک ملت را در چند روز بی‌ارزش کرده‌اند مستحق برخورد قاطع و بدون اغماض نیستند؟! این انتظار زیادی نیست. هر چند روز گذشته جمعی از دلالتان ارز دستگیر شدند اما واقعیت این است که موضوع به مراتب فراتر از چند دلال خرده‌پاست و فقدان نگاه کلان به جریان رخنه کرده در دل دولت، کار را از آنچه هست سخت‌تر می‌کند.